

عاشق بۆرگۆت و سۆلگۆن غزئ دسسانئ

بیازان:

آمنه طریک «تورگمن غزئ»

ویراستار: منصور طبری

مازندران - بهشهر

۱۴۰۰

سرشناسه: طریک، آمنه، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدیدآور: عاشق بۆرگوت و سۆلگۆن غنر دسسانئ/ آمنه طریک
(تۆرکمن غنئی)، ویراستار منصور طبری.
مشخصات نشر: گرگان: قلم صحرا، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱ ج (شماره گذاری گوناگون).
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۰۲۸-۹-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتاب به لاتین آوانویسی شده است.
موضوع: داستان های ترکمنی -- ایران -- قرن ۱۴
۲۰th century -- Turkmen fiction -- Iran
شعر ترکمنی -- ایران -- قرن ۱۴
۲۰th century -- Turkmen poetry -- Iran
شناسه افزوده: طبری، منصور، ویراستار
PL۳۳۴
رده بندی کنگره: ۷۹۴/۳۶۴۳
رده بندی دیویی: ۸۶۵۴۶۹۷
شماره کتابشناسی ملی:
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



۰۹۱۹۴۸۰۵۴۹۷

nashrghalamesahra@gmail.com

انتشارات قلم صحرا

نام کتاب: عاشق بۆرگوت و سۆلگۆن غنر دسسانئ

مؤلف: آمنه طریک

ویراستاری: منصور طبری

تعداد صفحه: ۱۶۱ ، قطع: وزیری، شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰ چاپ و صحافی: گاندی

صفحه آرائی و ناظر چاپ: میرزاعلی قزل

isbn: 978-622-98028-9-2

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۰۲۸-۹-۲

قیمت: ۹۰۰۰۰۰ ریال

صاخيپالار دۆزگۆنى:

۸	مقدمه
۱۰	سۆزباشى
۱۱	خاطره
۱۴	يادلاما
۱۵	بيوگرافى شاعر
۱۶	شاهنراننگ بيوگرافىياسى
۱۸	عاشنىق بۆرگۆت و سۆلگۆن غنژ دىسانى
۷۸	غايالارنىڭ سىردارى ادلى غۇشنىڭ
۸۱	غادىردانلىق

مقدمه:

در دوره‌های مختلف تاریخ تورکمن‌های ایران (تورکمن‌صحرا) در زمینه‌ی ادبیات تورکمن، زنان و دختران با عنوان شاعر و نویسنده، فعالیت‌های اندکی داشته‌اند و انگشت شمارند. این قشر از جامعه‌ی تورکمن‌ها بعضاً به دلایلی، کمتر قادر بوده که در این عرصه فعالیت نمایند. در هر صورت جای تأسف دارد که نیمی از افراد جامعه که باید سهم بزرگی در رشد فرهنگ و هویت یک ملت داشته باشند، مشارکت کمتری دارند. زنان حافظان زبان هستند و اگر این قشر از جامعه در عرصه‌ی فرهنگ و ادبیات تورکمن گام بردارند، شاهد شکوفایی زبان مادریمان خواهیم بود. چرا که فرزندان از بدو تولد تا چندین سالگی در آغوش مادران و با لایلی‌های آنان بزرگ می‌شوند و از او الهام می‌گیرند و کودکان اگر در این سنین، زبان مادری خود را به خوبی فرا گیرند، هرگز فراموش نخواهند کرد و در انتقال آن به نسل‌های آینده نقش اساسی خواهند داشت.

در کشور عزیزمان، به دلیل اینکه زبان تورکمنی در مدارس تدریس نمی‌شود، شعرا و نویسندگان‌مان در عرصه‌ی ادبیات تورکمن، با توجه به استعدادهای ذاتی خود و با اخلاصی که برای حفظ زبان دارند آثار خود را به مردم و سرزمینشان تقدیم می‌نمایند. با توجه به مشکلات موجود و در چنین شرایط دشوار، خانم آمنه طریک شاعر با استعداد و توانمند تورکمن، با آثار زیبای خود در جهت تحکیم زبان مادریشان پا به عرصه‌ی ادبیات گذاشته و نظر مردم تورکمن، بخصوص زنان و دختران را به آثار خود جلب نموده است. احساسات پاک خانم طریک در آثارش نفوذ کرده و آنرا تقدیم سرزمینش می‌کند.

احترام شدید او نسبت به سرزمینش، زبان مادریش، مردمش و مخصوصاً به زنان و دختران جامعه، در آثارش موج می‌زند. من سروده‌ها و نوشته‌های این شاعر گرانقدر را یک به یک مطالعه کردم و با تفکرات وی از نزدیک آشنا شدم و به احساسات پاک او نسبت به ادبیات تورکمن آفرین گفتم و به این باور رسیدم که زنان و دختران صحرا از آثار او الهام خواهند گرفت. خانم طریک اشعار خود را در قالب کلاسیک با هجاهای مختلف سروده است. موضوع‌های مختلف و برجسته که در جامعه وجود دارد را انتخاب کرده است.

از برخی ناملازمات انتقاد نموده و به تفکرات مختلف احترام قائل بوده است. او اعتقاد دارد که برای رشد جامعه، باید از پتانسیل همه‌ی تفکرات موجود استفاده کرد. وی به خوبی توانسته است افکار روشنفکرانه‌ی خود را در آثارش به نمایش بگذارد. برای زنان و دختران حقوق مساوی با مردان را آرزو نموده تا این قشر از جامعه بدون تبعیض، پایه‌ی مردان رشد نمایند. خانم آمنه طریک علاوه بر سرودن اشعار، قلم خود را در رشته‌ی نویسندگی و داستان سرایی آزموده است. علاوه بر کتاب شعر خود با عنوان: «مِنگ اوبامنگ غنرلاری» «دختران روستای من» (که نام یکی از اشعار اوست، به توصیف دختران روستای خود پرداخته و به

احترام آنها، نام کتاب خود را نیز به همین نام انتخاب کرده است)، کتاب داستان خود با عنوان: «عاشق بُورگوت و سۆلگۆن غنر»، «عقاب عاشق و دختری به نام سۆلگۆن» را به مردمش تقدیم می‌کند. به نظر من آثار این بانوی شاعر و نویسنده‌ی روشنفکر تورکمن، الهام بخش نسل جوان امروز و آینده به خصوص زنان و دختران صحرا خواهد بود و در آینده تأثیر خود را در ادبیات تورکمن به یادگار خواهد گذاشت. اینک زمان آن فرا رسیده است که افراد جامعه، با عقل و درایت به میدان آمده و بر مشکلات خود فائق آیند.

در پایان، از تمام کسانی که در جهت اعتلای فرهنگ تورکمن گام برمی‌دارند، خواهشمندم آثار با ارزش این بانوی شاعر و نویسنده‌ی تورکمن را مطالعه و نظرات مفید و با ارزش خود را بیان فرمایند. همچنین برای خانم آمنه طریک طول عمر با عزت و آرزوی توفیق بسیار دارم و امیدوارم همیشه، قدمشان مُستدام و قلمشان مُستمر باشد.

منصور طبری

گلستان - گنبدکاووس - ۱۴۰۰

www.ketab.ir

سۆزباشى:

ايران تۆركمەنلىرىنىڭ (تۆركمەنصحرائىنىڭ) دۆلى دۇۋەرلىرىنىڭ تارخىنىدا، زىنن شاھىرلار و يازىچىلار كۆپ دال. سانسانىڭ، بارماقلارىنىڭ سانسىنىڭ گىچىمار. اگر تۆركمەن دىلىنە يازىن شاھىرلارنىڭ و يازىچىلارنىڭ كۆپلىسە، انە دىلىمىزنىڭ اۋسۇمىگىنە كان ياردام بىرلىك، سىبابى چاغلارنىڭ انەدن دۇغۇپ تا بىر ياشا يىتىنچا، انەسىندىن انلخام آلپ، غورساغىندا ياشاپ، تاثير آليارلار. زىننلار و انەلەر ناچە اۋز انە دىلىنە و تۆركمەن ادبىياتىنا انلخام بۇلسالار، شۇنگا گۇرا_دە چاغلارنىڭ دىلى پوغتالانپ، گلىك نىسپىللىرىمىزە ساقاپ بۇلۇپ، دىلىمىزنىڭ ياپىرماغىندا سىباب بۇلۇپ بىلر.

بىزىنىڭ عزيز يوردومىزدا، تۆركمەن دىلىندە مېكېپ بۇلمانسانىڭ، شاھىرلارنىڭ و يازىچىلارنىڭ اۋز اخلاصى و اوقىنى بىلن ادبىيات مىدانىدا، اۋز اىرلىرىنى آرا آتىپ ايل اۋچىن آلادا ادىارلر. شىلە بىر قىن ياغداى لاردا، دھىنىلى و اوقىنلى شاھىر و يازىچى دۇغانىمىز آمنە طرىك_دە اۋز اىرلىرىنى تۆركمەن دىلىنىڭ بايلىقى بىلن بۆتىن تۆركمەن اىلىمىزنىڭ، انلايتا_دا گلىن_غزىلارنىڭ اۋسۇنە چكىار. آمنە شاھىر، انچمە غۇشغولارنى تۆيس يۆركىن اىلىنە ھۇدۇرلاپ، آراسسا يۆرك دويغولارنى غۇشغولارنا و يازغىلارنا سىنگىرىپ باشاربىر. تۆركمەن اىلىنە حاص_دا گلىن_غزىلار صارىا غۇيشۇنى، اۋتونگ غۇشغولارنى و يازغىلارنى شايدادىر.

من بو دۇغانىمىزنىڭ اىرلىرىنى اۋقاپ، دويغولارنى بىلن ياقىندان تانىش بۇلۇم، اۋتونگ تۆركمەن ادبىياتىنا گۇركىن اخلاصىنىڭ بىرلىك بىردىم و اۋقۇنچىلار حاص_دا گلىن_غزىلارنىڭ شاھىرانگ دۇردىن اىرلىرىدىن انلخام آلقاقلارنا گۇز يىلدىم. شاھىر آمنە طرىك كلاسىك غۇشغولارنىڭ دۆلى_دۆلى بۇغونلارنىدا غۇشغى غۇشۇيدىر. ماضىمۇنلارنى غۇۋى سايلادىر، دۇرۇنگ تالابىنا گۇرا_اىر دۇردىدېد. كا بۇلار بۇلماز ياغداى لاردان تانقند ادىيدىر.

دۇنيا غارايشى، بىر پىكىرە حاصلانماندىر. كۆپچۆلىكدە ھەممە پىكىرلەر مىدان بىرىدېر، غۇشغولارنى آچىق و آيدىنىڭ پىكىرى بىلن بىزىدېر. عايال و اركلەر دىگلىك آرزو ادىيدىر.

شاھىر آمنە طرىك غۇشغى اىرلىرىدىن باشغا، چكاي و دىسان يازماغىندا اۋزۇنى سىنلاپ گۇريار. غۇشغى اىرىدىن آيرى «عاشق بۆرگۈت و سۆلگۈن غزى» آدلى دىسانىنى_دا اۋز اىلىنە ھۇدۇرلاپ. غۇشغى اىرىنىڭ آدى «مىنگ اۋبامىنىڭ غزىلارنى» دىر. (بو غۇشغوسىندا اۋز اۋباسىنىڭ غزىلارنى واصلپ ادىپ، سىنلاپ، كىتابىنىڭ آدنى_دا، اۋلارنىڭ حۇرماتى اۋچىن داقيار). بو اثر، تۆركمەن ادبىيات سۇير گلىن_غزىلار، پىگىنىچكلەر و پىگىتلىرىمىزە انلخام بىرپ بىلر.

شاھىر آمنە طرىكنىڭ غۇشغولارنى و يازغىلارنى اۋتونگ اوقىنلى، آچىق دھىنىلى و پاىخاسى بىلن، تۆركمەن ادبىياتىدا يادىگار غالار دىيىپ اومىد ادىارين. مىنىڭ پىكىرىمچە، آيدى گلىن_غزىلار و زىننلار ايش باشارماز دىيان پىكىرلر، آرامىزدا بىرى يۇقدور. غۇى آچىق، آيدىنىڭ پىكىرلر مىدانا گلىسىن، سىبابى گلىك دۇۋەرلىرىنىڭ قىنچىلىقلاى، عاقىل_پاىخاس بىلن چۇۋۇلر.

سۆزۈمىنىڭ سۇنگۇندا تۆركمەن دىلىنىڭ جان كۆيلىرىدىن تۆيس يۆركىن حابىش ادىارين شو كىتابى اۋقاپ، اۋز دىگىلى، ناظارلارنى آيتىسۇنلار، ھم_دە شاھىر آمنە طرىكنىڭ مىنداما جانى ساغ، باشى دىك و غالامى يىتى بۇلماغىنى آرزو ادىارين.

منصور طبرى

گۈلۈستان - كۆمىت - ۱۴۰۰

«خاطره»

هنگامی که جهت چاپ کتاب شعر و کتاب داستانم اقدام می‌کردم، چندین خاطره از دوران کودکی و نوجوانی‌ام، در ذهنم تداعی گردید. به همین جهت یادآوری آن خاطرات را در این نوشتار، به طور اختصار مناسب یافتم و توجه خوانندگان گرامی را به آن جلب می‌کنم.

زمانی که کودکی نه ساله بودم توانستم با کمک مرحوم پدر مهربانم، خواندن متون تورکمنی با خط عربی را بیاموزم. علاقه‌ی زیادی که به آموختن زبان تورکمنی داشتم باعث می‌شد که پدرم همیشه به من افتخار کند. گاهی اوقات کتابی را که مطالعه می‌کرد به من نشان می‌داد و می‌گفت: دخترم؛ من این کلمه را نمی‌توانم بخوانم، آیا تو می‌توانی بخوانی؟ من هم هر طور شده آن کلمه را می‌خواندم و او هم با آفرین گفتنش مرا تشویق می‌کرد. در آن دوران هرگز به فکرم خطور نمی‌کرد که پدرم با اینکه اشعار کلاسیک شاعران برجسته‌ی تورکمن همچون مختموقلی فراغی، کمینه، مسکین قلیچ و محتاجی را به خوبی می‌خواند، چرا از من می‌خواست که برایش بخوانم. در هر صورت در چنین شرایطی بود که من هم به اشعار این بزرگان علاقه‌مند و از نزدیک آشنا شدم.

از اولین کتاب‌هایی که در نوجوانی به زبان تورکمنی مطالعه کردم کتاب‌هایی مانند داستان صایاد-همرا و داستان زوهره-طاهر بود. هر روز که از مدرسه به منزل برمی‌گشتم، سری به کتاب‌های پدرم می‌زدم. این کار برای من یک وظیفه‌ی مهم شده بود. در آن زمان علاوه بر اینکه آثار شعرای تورکمن را مطالعه می‌کردم به آثار شاعران پارسی‌گوی هم علاقه‌مند بودم. اولین اثری که به زبان پارسی خواندم، اشعار بابا طاهر بود. اشعار این شاعر بزرگ پارس زبان باعث شد که من به اشعار پارسی هم علاقه‌مند شوم. در سنین هفده و هجده سالگی، برای اولین بار بود که قلمم، بر روی کاغذی سفید، که همانند سفیدی برف می‌درخشید، آنچه را که از درون وجودم و با تمام احساسم، به بیرون فوران می‌کرد، نقش می‌بست. هر کلمه‌ای که ثبت می‌شد، احساس می‌کردم که قلمی جادویی در دستم قرار دارد و این احساس برای من قوت قلب بود.

زمان سپری می‌شد و در طی آن سال‌ها با اینکه همه‌ی کتاب‌های پدرم را جمع‌آوری کرده و خوانده بودم، ولی همیشه احساس می‌کردم که کمبودی وجود دارد.

در آن دوران آرزو داشتم که از نزدیک با آثار شاعر معاصر و برجسته تورکمن، کریم قربان نفس آشنا شوم. در آن زمان، آثار کریم قربان نفس در میان تورکمن‌های ایران با القبای عربی-فارسی چاپ نشده بود و اگر هم چاپ شده باشد شاید به علت پایین بودن سنم و مشکل تهیه کتاب، اطلاعی از آن نداشتیم. با اخلاصی که در آن سال‌ها داشتم، شروع به یادگیری خط کریل (خط روسی) نمودم. دو نمونه از آثار کریم قربان نفس را یافتم و از نزدیک آشنا شدم.

در یکی از روزها، اشعارم را نزد پدرم خواندم و نظرش را در مورد آنها پرسیدم. پدرم گفت: دخترم، به نظر من مضامین اشعارت خوب است، ولی احتمالاً در بعضی از ابیات آن، ایراداتی

وجود دارد، وزن‌ها و قافیه‌ها هم، گویا مناسب نیستند و ادامه داد که شعر گفتن آسان نیست و فنون مخصوصی دارد و اگر امکانش برایت فراهم باشد، در مورد اشعارت با کسی مشورت کن که با اصول و قواعد شعری آشنا باشد، به نظراتش هم توجه داشته باش و از وی آموزش ببین.

در طول سال‌ها که به سخنان پدرم فکر می‌کردم، شعری در میان جامعه‌ی تورکمن‌ها گسترش پیدا کرده بود که نظرم را شدیداً به خود جلب کرد و مرا هوشیار ساخت و تشویقم کرد تا همه‌ی تلاش خود را در زمینه‌ی زبان مادریم، در طبق اخلاص قرار دهم و به من امید داد تا زبان مادریم را بیش از هر زمان دیگر حفظ نمایم. شعری که مرا به عنوان یک زن وارد عرصه‌ی جامعه‌ی شعری و ادبیات و فرهنگ تورکمن نمود، سروده‌ای با نام «انه دیل» بود که شاعر، آن را با تخلص «تورکمن اوغلی» سروده بود.

در آن سال‌ها که ما در همسایگی چند خانواده‌ی تورکمن در آپارتمانی در استان مازندران، شهر نکا زندگی می‌کردیم، یک نفر از آشنایان استاد منصورطبری به منزل یکی از همسایگانم به عنوان مهمان آمده بود و چون در مورد استاد طبری صحبت کرده بود، فرصت را مناسب دیدم و برای اینکه نظر استاد را در مورد اشعارم جویا شوم، تعدادی از شعرهایم را انتخاب و از مهمانی که آمده بود، به شهر گنبدکاووس ارسال نمودم. بعد از سه روز، این مهمان تلفن نمود و شماره‌ی موبایل و تلفن منزل استاد طبری را داد و گفت که اشعار را نیز بدست وی رسانده است.

برای اولین بار از طریق تلفن با استاد آشنا گردیدم و نظر وی را در مورد اشعارم جویا شدم. استاد چهار قطعه از اشعارم را انتخاب و از نظر فنون و قواعد شعر تورکمنی، یک به یک ایرادات اشعارم را بیان کرد و من هم با علاقه‌مندی به نظراتش گوش داده و یادداشت نمودم. از همان روز، استاد طبری را به عنوان معلم و استادم برگزیدم. او از دانسته‌های خود به من نیز آموزش داد، قواعد و فنون شعر کلاسیک تورکمنی را هم از وی آموختم. سخن‌ها را که مکرراً به من می‌گفت: بنویس، بنویس، اکنون وقت نوشتن شماسست، همیشه در گوشم طنین انداز بوده و هر هنگام که شعری را شروع می‌کنم، یاد آن سخن افتاده و احساس می‌کنم که قلمم توانایی بیشتری در نوشتن پیدا می‌کند.

فقط در شعر نیست که استاد، مرا راهنمایی کرده بود، بلکه در زمینه‌ی داستان نویسی هم، مشوق من بود و همچنین با نوشتار صحیح زبان تورکمنی با عنوان رسم‌الخط جدید و خط لاتین، از طریق وی آشنا شدم.

آمنه طریک

مازندران - بهشهر - ۱۴۰۰

«يادلاما»

غۇشغولارنىمۇ ھەم دە دىسانىمىنىڭ چاپ اتمىگىنىنىڭ اوغرونا دۆشمىدە، ياشلىغىنىمدا بىر ناچە
 حاطىرلار و يادلامالار يادىما دۆشدى. شۇل سىباپ بىلەن غۇشغا صورىتا، اۇل يادلامالارنىڭ يازماغىنى
 مىناسىپ گۇردۆم و اۇقۇنجىلارنىڭ اۆتسۈنە چىكىم اۋچىن تاييارلادىم.
 دۇقۇز ياشلى چاغاتام، تۆركمەن يازوونى، عاراپ حاطى بىلەن اۇقاماغىنا، مېرحوم مېرىبان اۆتامنىڭ
 كۆمىگى بىلەن ياقىندىن تانىش بۇلۇپدىم. انە دىلىمە بار انخلاصىم، اۆتامى غاتى غوواندىريادى. كا
 واغتلار اۇقاپ اۆتوران كىتابىنى مانگا گۆركىزىپ: غىزىم شو سۆزى اۇقاپ بىلىمانى اۆتۈرنى، گل، سىن
 اۇقاجاق بۇل دىيىپ، مانگا يۆزلىنىپىردى. مەن دە انخلاص بىلەن اۇقاردىم و اۆتامدىن بىر كىلاسنى اۆردىم.
 آد غازانان بىيىك كلاسىك شاھىرلارنىمۇ ماغىنىمغولى پىنراغى، مۇلا كىمىنە، مېسىگىن غىلچ، مأتاجى
 يالى اولولارنىڭ غۇشغولارنى بىلىپ دىك اۇقايان اۆتام، نامە اۋچىن كا سۆزلىرى اۇقاپ بىلىمانى،
 مىندىن سۇرايىنا، اصلا عاقىللىم يىتمىدى. غاراض، مېم شىلە ياغداىلار بىلەن، بو اولولارنىڭ اىرلىرىنە
 ھۈۈسچىگ بۇلۇپ، ياقىندىن تانىش بۇلدىم. ياشلىغىنىمدا اىلكىنجى اۇقان تۆركمەن كىتاپلارنى،
 صايد-ھىمرا و زۆھرە-طاھىر يالى دىسانلارنىدى. ھەر گۆن مەكىدەن گىلدە، اۆتامنىڭ تۆركمەن
 كىتاپلارنى باش اورماق، مانگا بىر اولى بۇرچ يالىدى. يەكە تۆركمەن غۇشغولار دال-دە، ايسىم كا بىر
 پارس شاھىرلارنىڭ اىرلىرى بىلەن دە ياقىندىن تانىش بۇلۇپدىم. پارس دىلىدە، اىلكىنجى اۇقان
 اىرىم، بابا طاھىر ادلى شاھىرنىڭ اىرىدى. بو بىيىك پارس شاھىرنىڭ غۇشغولارنى، مىندە ياشلىقنى،
 پارس غۇشغولارنى اۇقاماغىنا ايسىگ دۇرتىدى. اۋن يىدى اول سىكىز ياشا يىتمە، غلامىم، اىلكىنجى
 گۆر، يۆرگىمىدىن جۇشۇپ، غاردان آق قاغىنىڭ يۆزۈدە يۇرۇپ ياشلاى. غلامىم جادىلانان يالى
 بۇلۇپ يۈرىشى، مېنىڭ ياش يۆرگىمە قوۋات بىرياردى. زامانىڭ كىچىشىنە گۇرا، ھەر ياغدايدا،
 اۆتامنىڭ بار كىتاپلارنى يىغىنپ اۇقاسام-دا، اۇندا دا بىر كىچىلىك بار يالىدى. شۇل دۇۋوردە،
 بىيىك شاھىر كرىم غورىبان نېسىنىڭ اىرى بىلەن ياقىندىن تانىش بۇلماق، مانگا بىر آرزو بۇلۇپدى.
 اول واغتلاردا، كرىم آغاننىڭ اىرى، ايران تۆركمەنلىرىنىڭ آراسىندا عاراپ حاطىنى كىچىرىلىمەندى،
 بلىكى دە كىچىرىلەن بۇلسا-دا، مەن غىز اۇغلان بۇلانسام، ھەم حابارىم يۇقۇدى ھەم دە مانگا اول كىتابى،
 اېگىرىم كەندى. انخلاصا مىراد دىيىلىشى يالى، شۇل يىللاردا، كرىل حاطىنى اۋورنىمەگە باشلادىم.
 كرىم آغاننىڭ ايكى سانى اىرىنى تاپىپ، ياقىندىن تانىش بۇلدىم.

گۆنلردىن، بىر گۆن، غۇشغولارنىمۇ اۆتامنىڭ ياننىدا اۇقاپ، ناظارنى سۇرادىم، اۆتام: غۇشغولارنىڭ
 ماضىمۇنى غۇۋى، كاتە بىر بىدى دۇغرى، يۈنە كۆپ بىدلىرى ھەم ياللىگىش، ھەر بىر غۇشغىنىڭ آغرامى
 دىڭ بۇلمالى، قاپنىلاى جىيىس گىلمىلىدىر، بو ايش آنگىسات ايش دالدىر، سىن بو غۇشغولارنىڭ
 بىر بىلىملى شاھىرلار گۆركىزىپ، ناظارنى ھەم اۆتس بىرىپ، يۇلۇنى اۋورنىملى بۇلارسىنىڭ غىزىم دىيىدى.
 مەن دە، شۇل يىللاردا، اۆتامنىڭ ايدان سۆزلىرىنە اۋىلانپ يۆركام، بىر غۇشغى، ايل آراسىندا يايىپ،

مېنىڭ ئۆنسۈمى ئۈزۈنە چىقىپ، ئۇياردى. ئانە دىلىمە بار ئاخلاصنىمى ئۈنگۈدۈن ھەم خاس ئارتىدىن، غۇشغى مېدانىدا ھەم دە تۈركمەن مەنىيىتى نىڭ ئوغرىدا، زىنن ھۈكۈمىدە بىلىمى غايىم غۇشاپ، ئاۋىيە غۇيان «تۈركمەن ئوغلى» شاھىرنىڭ «ئانە دىل» ئادلى غۇشغوسىدى.

شۇل دۈۋۈردە، مازىندان ولايتى نىڭ نىكا شەھرىدە، بىز بىلەن، بىر ئاپارتماندا ياشايان تۈركمەن غۇشغىنىما، كۆمەت شەھرىدىن، ئوسساد منصورطېرى نىڭ بىر تاننىشى مۇخەمەت بۇلۇپ كېلىپتى ھەم دە ئوسسادىن گۈرۈڭ گىچىپتى. مەن دە مۇناسىپ پۇرسەت دىيىپ، بىر ئاچە غۇشغىنى سايلاپ، ئوسساد دۇغاننىڭ ئاۋازىنى غۇشغىغا باردا بىلىم ئاچىپ، يانغىنى كېلەن مۇخەمەت كۆمەت شەھرىدە يۇللادىم. ئۈچ كۈن كېچىدىن سۇنغرا، كېچە مۇخەمەت، جانگ ئادىپ ئوسسادنىڭ ئال تېلپۇن ھەم ئۇ تېلپۇن بىلگىلىرىنى بىرىپ، غۇشغۇلارنىمى دا غۇشۇراندەن ئايتتى. ھەي، ئايلەپ كېلىپ كېلىپ، ئوسساد ۴ سانى غۇشغىنى سايلاپ، دۆڭۈن ئايدان ئايدىلاپ ئايتتى. مەن ئايلەپ بىلەپ، دىنەلەپ ئايلەپ، قاغۇدا كېچىرىم. شۇل كۈن ئوردا بىلا، ئوسساد طېرى ئىلەم ئاتام بۇلۇپ، ئۆز بار ئىلەم ئوردا بىلەپ، غۇشغى دۆڭۈن ئوردا مانگا ئاۋۇرتتى. بو ئاغلار سىزىڭ يازچاق ئاغلارنىڭ ئوردا. يازنىڭ، يازنىڭ، يازنىڭ دىيىپ ئايتالدى. ئوسسادنىڭ يازنىڭ دىيىپ سۆزى، ھېچ ھاجەت ئوردا كېتەن، غۇشغى يازماغا باشلامدا، ئاغلار كۆچ و قۇۋات بىر ئوردا. دىنە غۇشغى يازما ئوردا دال دە ئىسىم دىسان يازماغۇدا دا مانگا ئانام دۇرتتى.

ھەم دە تۈركمەن دىلى نىڭ تازە يازۇشنى ھەم ئايتىش ئوردا ئوسسادنىڭ ئارقاسى بىلەن تاننىش بۇلۇم.

آمنه طرىك

مازندران - بهشهر - ۱۴۰۰

بیوگرافی شاعر:

بانو آمنه طَرِیک شاعری از تورکمنصحرای ایران:

شاعر بانو آمنه طَرِیک، فرزند مرحوم قلیچ پهلوان (از پهلوانان صاحب نام کشتی سنتی تورکمن) در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی، در تورکمنصحر، استان گلستان، شهر سیمین شهر، در محله‌ی غارغی بدنیا آمد. دوران ابتدایی و راهنمایی را در مدارس غارغی و اومچالی گذراند. دوران دبیرستان را در دبیرستان‌های شهر نکا در استان مازندران ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم گردید. سپس با تلاش فراوان موفق به اخذ مدرک کارشناسی (لیسانس) در رشته‌ی روانشناسی از دانشگاه شد. وی اکنون مشغول تدریس قواعد زبان تورکمنی به علاقه‌مندان این زبان می‌باشد.

آمنه از همان دوران نوجوانی با تشویق پدرش که از دوستداران شعر و ادبیات بود، به ادبیات تورکمن علاقه‌مند شده و سرودن شعر را آغاز می‌نماید. وی با استعداد و توانایی که در خوصراً احساس نموده، برای حفظ زبان تورکمنی تلاش می‌کند. او هرچند که از تورکمنصحر دور است و در استان دیگری زندگی می‌کند، اما خاک زیبای صحرا با هستی‌اش گره خورده و به اشعارش زیبایی خاص داده است. او در سرزمینش ایران، همیشه افتخار می‌کند که یک تورکمن است و می‌داند که زبان مادریش اصیل بوده و از نظر تاریخی و فرهنگی اصالت داشته و بسیار غنی می‌باشد. او مدام به زنان و دختران تورکمن با تأکید می‌گوید که به عنوان یک مادر، حفظ زبان تورکمنی وظیفه‌ی ماست و باید در حفظ آن کوشا باشیم. آمنه تا این تاریخ، چندین شعر به زبان تورکمنی سروده و به جامعه هدیه نموده است. تعدادی از اشعار وی نیز توسط برخی از خوانندگان تورکمن، بصورت ترانه اجرا گردید. موضوعات اشعار وی بیشتر در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی است. زنان و دختران را تشویق می‌کند که در زمینه‌های علمی و فرهنگی بیشتر فعال باشند و در جامعه یا به پای مردان کم بردارند، و عظمت و زیبایی صحرای تورکمن را برای دختران و پسران تورکمن، به خوبی توصیف می‌کند. شاعر آمنه طریک در زمینه‌ی داستان نویسی نیز قلم فرسایی می‌نماید و صحرای تورکمن را به تصویر می‌کشد. همچنین در جهت آرایه‌ی آثار خود در جامعه، اقدام به چاپ دو اثر در زمینه‌های شعر و داستان نمود، تا از خود به یادگار بگذارد. این آثار عبارتند از:

۱- منگ اوبامئنگ غنزلاری. (این اثر شامل اشعار شاعر می‌باشد).

۲- عاشق بورگوت و سولگون غنزدسانئی (داستانی که نثر و منظوم است).

شاعر آمنه طَرِیک عضو انجمن شعر و ادب تورکمنی میراث گنبدکاووس نیز می‌باشد. او می‌گوید در سرودن اشعار و داستان، از شاعر و نویسنده‌ی تورکمنصحر و مسئول انجمن شعر تورکمنی میراث، منصور طبری الهام می‌گیرد و او را استاد خود می‌داند. شاعر منصور طبری، نام و تخلص ادبی «تورکمن غنزی» را به این شاعر گرانقدر اختصاص داده و برای وی آرزوی موفقیت دارد. شاعر آمنه طَرِیک هم اکنون به همراه همسر و دو فرزندش در استان مازندران، در شهر بهشهر زندگی می‌نماید. برای این شاعر گرامی تورکمن، آرزوی توفیق روز افزون جهت آرایه‌ی آثار بیشتر و همچنین برای وی و خانواده محترمشان، آرزوی سلامتی و شادمانی داریم.

شاهنرانننگ بيوگرافىيىسى:

ايران تۆركمەنلرى نىنگ شاهنراسى: شاهنرا آمەنە طرىك نىنگ دورموش تارنخى نىنگ يازغىسى:

آمەنە طرىك ۱۳۵۲_نجى ھىجرى شىمسى يىللىندا، ھۇنار سۇير ماشغالا سىندا، تۆركمەن سىرادا پىرلىشيان، گۆلۆستان ولايتىندا، شو واغتنى سىمىن شىر آئىندا قى شىرىنگ، غارغى بۆلگىندە دۇنيا اينىار. آتاسى مرحوم « غىلچ پالوان » سىرا مەن نىنگ آدى بىلى اولى پالوان لارى نىنگ ھم_دە آيدىم_ سىز و ادبىيات سۇير ائىسان لارى نىنگ بىرى دى. آمەنە طرىك باشلانغىچ اوقۇو_بىلىم لىرىنى غارغى و اومچالى مەكەپ لىرىندە اوقىار، سۇنگرا اورتا مەكەپ كلاس لارنى، مازندران ولايتىندا، نىكا شىرىندە اورتا مەكەپ لىرىندە اوزارلاپ، دىپلۇمەننى آليار. اونسۇنگ اوقۇو اوغوردا كۆپ آلادا ادبى يۇقارنى اوقۇو جايىندا اوقۇوسىنى غوتارنىپ، پىسخۇلۇگىيا (روانشناسى) پوداغىندا، يۇقارنى بىلىم درجە سىنە اىە بۇليار. حاضىركى واغندا تۆركمەن دىلى نىنگ اوقۇوچى لارنى، تۆركمەن دىل قادالارنى اۋوردىار.

آمەنە ۹ ياشىندان بىلا، آتاسىندان تۆركمەن غۇشنى كىتاپ لارى نىنگ اوقۇماغىنى اۋوردىار. شاهنرا اۋز ياشلىغىندا، تۆركمەن ادبىياتىنا ائقچام بۇلۇپ، غۇشنى غۇشماغا باشلاپ، اوقۇلى و دىلىنى شاهنرا، اۋز انە دىلىنى غۇراماق اۋچىن آلادا ادىار. آمەنە تۆركمەن سىرادان داش ياشاسا_دا المنداما سىرانننگ گۆزل تۇپراغى يۆرگىنە سىنگىپ، غۇشغولارنى يە ياندىر. تۆركمەن سىرانننگ بىيك لىگىنە و تۆركمەن دىلى نىنگ سۆز بايلىقىنا غۇوانىپ، سىرانننگ گۆزكانا و گۆزلىك لىرىنى، تۆركمەن گلىن_ غىزلارنى و بىگىت لىرىنە نىقتاپ آيلىار. ھى تارنخا چىلى_دە انچمە غۇشغولارنى دۈرەدىپ اۋز اىلىنە ھۇدۇرلىدى. اۋتونگ غۇشغولارنى نىنگ ماضىمۇنى كۆپلىچ كۆپچۆلىگە دگىشلى دىر. بو شاهنرانننگ ناچە غۇشغوسى_دا آيدىم بۇلۇپ، اىل آراسىندا يايالىدى.

ھم_دە آمەنە شاهنرا، تۆركمەن دىسان لارنى يازماق اۋچىن ادبىيات مەدانىندا، اۋز غلامىنى سىن ادبى، ادىم ادىار. پاىخاسلى شاهنرا آمەنە طرىك، اۋز اىرلىرىنى اىل آراسىندا پايراتماق اۋچىن، اۋز انە دىلىنە سايراپ، ايكى سانى كىتابنى غۇشنى و دىسان ماضىمۇن لارى بىلن، تايبارلىق گۇرۇپ، چاپدان چىقاردى :

۱- مىنگ اۋيامىنگ غىزلارنى. (بو اىردە يۇرىتە، غۇشغولارنى چاپ بۇلدى).

۲- عاشق بۆرگۈت و سۆلگۈن غنر دىسانى.

شاهنرا آمەنە طرىك كۆمەدىنگ مەراث آئىندا قى تۆركمەن غۇشنى و ادبىيات اۋچاغى نىنگ آغۇساسى دىر. اۋل غۇشنى ھم ادبىيات مەدانىندا، مەراث اۋچاغى نىنگ يۇلباشچىسى، شاهنرا و يازنجى منصور طبرى دىن ائلخام آلىپ، اۋنى اۋز اۋسسادى حاساپلاپ، شاهنرا منصور طبرى، «تۆركمەن غنرى» آئىندا قى ادبى لاقامىنى، آمەنە شاهنرانننگ آئىنا حاسلاپ، آلىپ بارىان يۇلۇندا، اۋستۇنلىك آرزو ادىار. بو گۆن بۇلسا، شاهنرا آمەنە طرىك اۋز يان يۇلداشى و ايكى سانى اۋغلى بىلن، مازندران ولايتى نىنگ بىشەر آئىندا قى شىرىندە ياشاپار. المنداما غلامى يىتى، جانى ساغ و باشى دىك بۇلسون و اىچىرى ماشغالا سىندا_دا ساغلىق آرزو ادىارىس.

عاشق بۆرگۆت و سۆلگۆن غۇز دىسانى

غادىم ايامدا بىر دانا، عاقتلدار، ياش بۆرگۆت بىر بىيىك تۆركمىن داغىنىڭ غاياسىنىدا ياشايانمىش. يانگىق بۆرگۆت دانالىقدا، باتىرلىقدا، داياللىقدا ھىم-دە اۋۋادانلىقدا ھىممە غوشلارنىڭ آراسىنىدا اۋستون تانالىق حۇرماتى كۆپمۇش. بو بۆرگۆت غوش بىرگۆن، ياشايان داغىنىدا، بار بۆرگۆت غوشلارنى گىگىش اۋچىن داغىنىڭ دىپەسىنىڭ بىر تىكىز يىرىنە چاغىرىپ: بىز بۆرگۆتلر باتىر، دانا غوشلارنىڭ بىرى دىرىس، داغ-درەلرىنىڭ آراسىنىدا غورى و نتىجەسىز اوچوپ، گزىپ يۇرمالىنىڭ، عاقتلىمىزنى گىنگىن ايشلىتچى بۇلالىنىڭ، ھىر بىر باشدا عاقتل بۇلسا اولانان ياغىش دىر دىيىلىشى يالى، بۇلغوسىز زاتلار ھىم بىكىر اديپ يۇرمالىنىڭ، گلىنىڭ انىسانلارنىڭ اۋبادىر شىرلىرىنە بارىپ ياقىنىدىن سىنلاپ، بىر ناچە گۆن گزلىنچە چىقالىنىڭ، بىلكىم عىللىم دىر بىلىملىرىمىز كۆپلىپ انىگىمىز آرتىسىن دىيىپ، بۆرگۆت غوشلار غاراپ شىلە ماصىلاحت بىردى، اما بۆرگۆت غوشلارنىڭ ھىچ ھايىسى بو دانا بۆرگۆدىنىڭ آيدان سۆزلىرىنى ماصىلاحت بىلىمدىلر، ھىم بىيىك داغلاردان ھىم-دە بىلەلىكىدە ياشايان ماشغالىلارنىدىن بىر ناچە گۆن آيرا دۆشۈپ، حۇشلاشنىپ گىتىمانى قىن گۆردۈلر. اما يىكە ياشاپ يۇرن ياش دانا بۆرگۆت اۋ توتان توتومىدىن دانمانى، بار غوشلار بىلن حۇشلاشنىپ، ارتىرى گۆنى، سىر واغىنى اۋ توتان شىرلىرە طاراپ يۇلا دۆشدى. ناچە گۆن اوچوپ، غۇنوپ كۆپ شىرلىرى ھىم اۋبالارنى سىنلاپ، كۆپلىپ آچىپ گزدى. كاپىر شىرلىردە يازنىڭ مىلاىم يۇقۇملى ھىواسىنىدا، آسماندىن يىرە دۆشۈپ داغلارنىڭ اۋستۈندە غۇنوپ انىسانلارنىڭ شىلە اولى بىكىرلىرى بىلن شىرلىرى بزانلىرىنە حاپران غالىپ اۋتورىاردى. بىر ناچە سالىم دىنچ آلاندىن سۇنگرا، يىنە يۇلا دۆشۈپ بارىدى. شۇل بارىشىدا بىر گىنىڭ اكرانچىلىق سۈولى يىرىنىڭ اچىنىدە، شالىنىڭ نىشەلىرىنى سانچىپ، اۋىشۈپ ايشلاپ دوران آدملارنىڭ آراسىنىدا بىر ياشولى داىخانا گۆزى دۆشۈپ اچىنىنى گىلىتىدى: تىندە جان بارقا ايشلاپ ناماردا زار بۇلمالى دالىدىگىنى انىسانلار آراسىنىدا گۆرسىنىڭ بۇلىار، تانگىرى قۋۋات بىرسىن بو ياشولى داىخانا دىيىپ آلقىش-دۇغا اديپ اوچوپ بارىان يۇلونا دۇۋام اتىدى. گۆنلردن بىر گۆن يانگىق بۆرگۆت، گۆك آسماندا ھزىل اديپ اركىن اوچوپ يۇركا، گىنىڭ صىحرانىنىڭ اچىنىدە جايلاشان تۆركمىن آدى بىر اولى اۋبا گۆزى دۆشدى، يىۋاشراقدان سىنلاپ اوچوپ بارىشىدا، بىردىن-دە بىر گىنىڭ ھۇلا ناظارى دۆشۈپ اچىنىنى گىلىتىدى: گۆرۈنگ بو ھۇلىنىڭ اۋۋادان دىغىنى، بىر چىتىدە اۋتاغ يارمىلى اۋيۇندە، آغاچ نىردەلى پالىنىنىڭ (ايۋاننىنىڭ) اۋستۈندە، الۋان گۆللى گۆلدانى جايلاشنىدۇر دىيىپ، باغ-باقچاسىدا حاپران غالىپ، يۇرگىنىدە عىشق دۇردىيارىدى. بىردىن-دە گۆزى اۋيۇنىڭ غارشىنى سىندا بىيىك ھۇز باغىنىڭ ساياسىنىدا، باش داراغى بىلن

اوزۇن ساچنى داراپ اۇرۇپ اۇتوران بىر اوۋادان تۆركمەن غنزا گۆزى دۇشيارده. يەكە تانگىرئەم! بو اۇتوران غنزمى يادى پىرىمىكا دىيىپ، ياغشى گۆزۈنى آچىپ سىنلايار. غنزننگ آق يۆزۈندە، جەلەد گۆزلىرى، ياي غاشلارنى، اينچە بىلىنە يىتىن اۋرۇم ساچلارنى گۆرۈپ، بۆرگۆت بىربادا شۇل غنزا عاشق بۇلۇپ باشى آيلاننى، گۆزى چارساپ، بىيىك آسماندىن، شۇل ھۇلئىننگ بىر چىتىنە غاچدى. يانگقى غنژ بۇلسا آغاچدان ياسالان باش داراغنى كىتىن ماتاننگ يۆزۈنە غۇچاق ناغشنى سالىپ، يۆپكەن تىكىلەن ساچ بوقجاسىنا جايلاپ، ھۇز باغىننگ شاخاسىننگ آراسىندا غۇيۇپ يۇرتۇپ، بۆرگۆت غوشونگ ياننى گلىپ، واخ نامە بۇلدى سانگا دىيىدى-دە غوشونگ يۆزۈندىن گۆزۈندىن سىيلاپ، چالاسىن ھوشا گلىسىن دىيىپ يۆزۈنە سوو سىپەلدى، ولين بۆرگۆت آسماندىن اۋلۇپ غاچان يالى بۇلۇپ ياتىردى. غنژ ياغشى، بۆرگۆت غوشى سىنلاپ يايىپ ياتان غاناتىننگ اوۋادان دىغىنا، آغىر ھاياتىنا بىر گۆزۈن بادىنا، عاشق بۇلۇپ، مىنىنگ آدەم سۆلگۆن دىيىپ، بۆرگۆت غوش اوچىن ناچە بند غازال آيتدى :

«دۇوران سۆرسەدەيم»

گىنىسك صحرادا ياشادىم
سەن دىك غوشى گۆرۈمدىم
سىناپ ماھىل غاناتىننگ
بىلە دۇوران سۆرسەدەيم

ھاياتىننگا حايىران مەن
باقسام داغ دىك كىشىنىگە
غاناتىننگا آلسادىننگ
اكتىسەدىنىگ كۈشگۈنگە

آچايسانا گۆزۈنگى
بىر باقسانا يۆزۈمە
ھايسى داغىننگ غوشى سەن
دىنگلەسنە سۆزۈمە